



آرمان دنیای امروز دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است

محسن اسماعیلی گفت: آرمان و آرزوی دنیای امروز دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است. در اسناد معتبر جهانی هم، از «همزیستی مسالمت آمیز» به عنوان هدف اصلی نام برده شده است.

محسن اسماعیلی گفت: آرمان و آرزوی دنیای امروز دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است. در اسناد معتبر جهانی هم، از «همزیستی مسالمت آمیز» به عنوان هدف اصلی نام برده شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، محسن اسماعیلی عضو شورای نگهبان در جلسه کلام امیر که هر هفته در مجموعه فرهنگی سرچشمه برگزار می شود به شرح نهج البلاغه پرداخت که در ادامه گزارش آن را می خوانید.

نکته بسیار ظریف و لطیفی که از نهج البلاغه در می یابیم آن است که برای رسیدن به حیات طیبه و تشکیل یک جامعه الهی، وحدت لازم است اما کافی نیست. وقتی که ابوموسی اشعری نامه ای راجع به حکمیت به امام نوشت، حضرت در پاسخ تاکید کرد که به رغم همه جفاها باز هم «وَلَيْسَ رَجُلٌ - قَاعِلَمٌ - أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةٍ أَمَّهُ مُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - وَأَلْفَتْهَا مِثِّي» بدان که هیچ کس نسبت «به وحدت و الفت امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم» از من حریص تر از من نیست.

تفاوت اجتماع با الفت

اسلام، نه تنها به وحدت و جماعت، بلکه به «وَلَيْسَ رَجُلٌ - قَاعِلَمٌ - أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةٍ أَمَّهُ مُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - وَأَلْفَتْهَا مِثِّي» و «وَلَيْسَ رَجُلٌ - قَاعِلَمٌ - أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةٍ أَمَّهُ مُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - وَأَلْفَتْهَا مِثِّي» دعوت کرده و دستور داده است. آرمان و آرزوی دنیای امروز دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است. در اسناد معتبر جهانی هم که مبنای روابط و حقوق بین الملل است، از «همزیستی مسالمت آمیز» به عنوان هدف اصلی نام برده شده است؛ در حالی که تئوری اسلام، دستیابی به «همزیستی الفت آمیز» است، و این دو بسیار متفاوت هستند.

اجتماع و جماعت به معنای در کنار هم بودن است؛ بدون آنکه پیوند و علاقه اجزاء با یکدیگر شرط باشد. اما الفت جمع شدن از روی میل و رغبت است. الفت جمع شدنی است که میان اجزاء آن قبول و میل و الفت باشد.

«اجتماع» مربوط به جسم ها و بر محور منفعت و مصلحت است. اما «ائتلاف» مربوط به دل ها و بر محور محبت و رحمت؛ و آنچه ماندنی است همین است. الفت مانند ملاطی است که آجرهای کنار هم را به هم پیوند می دهد و استوار و مقاوم می کند.

نه تنها صلاح دین که صلاح دنیای ما نیز در اجتماع است و اجتماع منهای الفت همه آثار و برکات خود را نخواهد داشت. ما انسان ها به تنهایی قادر به تامین همه نیازهای خود نیستیم؛ حتی نیازهای مادی. پس به ناچار باید با یکدیگر مجتمع شویم تا از راه تعاون و تعامل، هر یک مکمل تلاش دیگری باشیم. اما اگر همدل نباشیم و به یکدیگر محبت نورزیم، هر کس سعی می کند تا با پایمال کردن حقوق دیگران، بهره خویش را بیفزاید.

اما اگر میان مردم، الفت حاکم شود، اصولاً بدی های یکدیگر را نمی بینند، و اگر هم ببینند، به سادگی از آن درمی گذرند. ایثار می کنند.

دعوت و تشویق اسلام به الفت

بر اساس آنچه گفته شد، خدای ما به اجتماع قانع نیست و پس از نهی از تفرقه، یادآور نعمت الفت و اخوت می شود. ابتدا می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ ولی بلافاصله می افزاید: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً قَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»؛ همگی با هم به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت خدا را بر خود، به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد.

تاکید و تشویق بی اندازه روایات بر ارتباط محبت آمیز و برادرانه، و دیدار و دلسوزی ما برای یکدیگر نیز برای ایجاد همین

الفت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَالِفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ، وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُؤْلَفُ وَ لَا يَأْلَفُ»؛ بهترین مؤمنان کسی است که مؤمنان به او الفت می گیرند ، و در کسی که با دیگران الفت نگیرد و دیگران نیز با او الفت نیابند خیری نیست.

کسی که با دیگران نمی جوشد و از جوشش دل دیگران برای خود هم استقبال نمی کند، سودی برای دیگران ندارد و خیرش به کسی نمی رسد؛ هرچند مومن باشد!

در روایت صحیحی ای که مرحوم کلینی نقل کرده است، امام صادق علیه السلام فرموده اند: «مُسْلِمَانَانِ مَوْطِفِدَانِ فِي رِجْلِ الْوَلَدِ»؛ دو راه پیوند با یکدیگر و کمک به نیازمندان کوشش کنند و نسبت به یکدیگر عطف و مهربان باشند تا آن که چنان باشید که خدای عزوجل شما را امر فرموده است که: نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند.

اصولاً اصطلاح زیبای «ولایت»؛ که مبنای روابط مردم با یکدیگر و مردم با حاکمیت در بینش اسلامی است، در بردارنده همین مفهوم است. ولایت به معنای آن است که دو یا چند چیز چنان کنار یکدیگر قرار بگیرند که چیز دیگری میان آنها نباشد. این تعبیر برای نزدیکی از نظر مکان یا نسبت یا دین یا دوستی یا کمک و اعتقاد نیز بکار می رود.

از نظر قرآن همه مسلمانان «أَوْلِيَاءُ»؛ یکدیگرند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»؛ اما علاوه بر این، قرآن هنگامی که می خواهد حاکمان جامعه دینی را معرفی کند، چنین می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا»؛

نامگذاری نظام سیاسی در اسلام به «ولایت»؛ حاوی این پیام زیبا است که میان مردم و حاکمان هیچ فاصله و واسطه ای نیست و نباید باشد. لطیف ترین بیان از این رابطه را می توان در عهد حضرت با مالک اشتر دید؛ آنجا که به وی نوشت: «أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ ، وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ ، وَ اللَّطْفَ بِهِمْ »؛ دل خود را آکنده از مهر و محبت و لطف نسبت به مردم گردان.

ایمان؛ محور الفت

نکته مهمی که باید به یاد داشت، این است که الفت پیوند میان دلها است؛ چنانکه اجتماع کنار هم بودن جسم ها، از سوی دیگر، دلها دست خداست. بنابراین، ایجاد الفت نیز فقط دست خالق و مالک دلهاست و تنها بر محور تقوی و ایمان ممکن است.

دل ها دست خداست، و بدون خواست او همدلی پدید نمی آید؛ حتی اگر پیامبر صلی الله علیه و آله بخواهد و همه هستی را هم در راه آن خرج کند.

در آیه قبل هم داشت که: «قَالَ لَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ»؛ او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد. کار پیامبران نیز همین بوده است؛ چنانکه حضرت در توصیف رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «خَدَّوْنَهُ بِبِرِّكَتِهِ»؛ او، کینه ها را مدفون ساخت و آتش دشمنی ها را فرو نشاند؛ افراد دور افتاده را به وسیله او به هم نزدیک و برادر ساخت و نزدیکی را که در ایمان و هدف هماهنگ نبودند، از هم دور نمود.

معلوم می شود که هر کس که به دنبال دفن کینه ها و از بین بردن دشمنی ها در بین جامعه اسلامی باشد، پیرو پیامبر است و کاری پیامبرانه انجام می دهد؛ همانگونه که اگر کسی بخواهد دلهای مردم را از هم دور کند و آتش تفرقه برافروزد بر علیه رسالت انبیاء قیام کرده است.